



The role of conflicting evidences of principles of jurisprudence in the interpretation of non-jurisprudential verses from the point of view of Shia commentators

Seyyed Abdullah Isfahani^{a*}

^a Assistant Professor of Quranic Sciences and Education University, Amol Faculty of Quranic Sciences, Amol, Iran

KEYWORDS

Conflict of evidence, Interpretation of nonjury, prudential verses, Shiite commentators

Received: 25 February 2023;
Accepted: 18 December 2023

Article type: Research Paper
DOI: 10.22034/ijj.2023.709666

ABSTRACT

This document gives template for authors to prepare manuscripts for submission in the journal of The topic of balance of evidence is one of the common rules of the principles of jurisprudence and the science of Qur'anic interpretation, but the usulists have often discussed the above topic under the title of "balance and preference" in jurisprudence, that too only in the realm of hadiths and under the title of "remedial news". The greatest need for the interpretation of the Qur'an to the above rules is in the field of non-judgmental verses and in the realm of various forms of conflict between sources and interpretive evidence, which has been neglected mainly from the perspective of the researches of the Us lists and Shia commentators, that too in a centralized and comprehensive manner. The present article, which is written in a descriptive, analytical and fundamental way, observes the most basic and practical types of established and non-established conflict between interpretive evidence and conflict in single words in the form of the following three types: 1- Types of non-established conflict Located between two or more interpretative reasons that lead to "customary plural" and, in turn, 30 types: conflict between general and specific; absolute and binding; the ruler and the condemned; general and absolute; appearance and manifestation; 2- Types of conflicts established between two or more reasons for interpretation, which include the following 35 types: conflict between the Qur'an and the Qur'an; Narratives with each other; two rational reasons with each other; two consensus with each other; Quran with narration.

* Corresponding author.

E-mail address: esfahaniquran@gmail.com

©Author





نقش باب تعارض ادله اصول فقه در تفسیر آیات غیرفقهی از دیدگاه مفسران شیعه

سید عبدالله اصفهانی الف*

الف استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی آمل، آمل، ایران

واژگان کلیدی	چکیده
تعارض ادله، تفسیر آیات، غیرفقهی، مفسران شیعه	مبحث تعادل ادله از قواعد مشترک اصول فقه و علم تفسیر قرآن است، لیکن اصولیان غالباً از مبحث فوق با عنوان «تعادل و تراجیح» در مباحث فقهی، آن هم صرفاً در قلمرو روایات و با عنوان «اخبار علاجیه» بحث نموده‌اند. بیش‌ترین نیاز تفسیر قرآن به قواعد فوق در حوزه غیر آیات الاحکام و در قلمرو شکل‌های مختلف تعارض منابع و قراین تفسیری است که عمدتاً از منظر پژوهش‌های اصولیان و مفسران شیعه، آن هم به شکل متمرکز و جامع، مغفول مانده است. مقاله حاضر که به شیوه توصیفی، تحلیلی و بنیادین نگارش یافته است اساسی‌ترین و کاربردی‌ترین اقسام تعارض مستقر و غیر مستقر بین قراین تفسیری و تعارض در لفظ و کلام واحد را در قالب اقسام سه‌گانه ذیل بررسی می‌نماییم: ۱- اقسام تعارض غیر مستقر بین دو یا چند دلیل تفسیری که منجر به «جمع عرفی» می‌شود و به نوبه خود، اقسام ۳۰ گانه: تعارض بین عام و خاص؛ مطلق و مقید؛ حاکم و محکوم؛ عام و مطلق؛ ظاهر و اظهر؛ نص و ظاهر و... را به خود اختصاص می‌دهد. ۲- اقسام تعارض مستقر بین دو یا چند دلیل تفسیری که مشتمل بر انواع ۳۵ گانه مطرح شده می‌باشد: تعارض بین قرآن با قرآن؛ روایات با یکدیگر؛ دو دلیل عقلی با یکدیگر؛ دو اجماع با یکدیگر؛ قرآن با روایت؛ قرآن یا روایت با دلیل عقلی... ۳- اساسی‌ترین اقسام تعارض در لفظ یا کلام واحد که «ملحق به باب تعارض ادله تفسیری» محسوب شده و شامل گونه‌های هفت‌گانه می‌باشد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۶	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۷	
مقاله علمی پژوهشی	

۱. مقدمه

مبحث تعارض ادله به دلیل نقش تاثیرگذار در استنباط احکام فقهی همواره از مهم‌ترین عناوین اصلی علم اصول فقه شمرده شده است (واعظ حسینی، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۳۶۶). بخش مهمی از مباحث این باب از قواعد مشترک اصول فقه و تفسیر است که نوبه خود در تفسیر کارآیی دارد (شریعتی، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۱۳۹). هرچند بسیاری از اصولیان مبحث تعادل ادله را در مصداق روایات مطرح کرده‌اند، لیکن این مبحث هرگز منحصر در روایات متعارض نیست، بلکه شامل سایر ادله مانند تعارض بین اصل اجتهادی و اصل عملی؛ تعارض بین آیات، روایات، عقل و اجماع و... نیز می‌شود. در اصول فقه بحث «اخبار علاجیه» تنها به موارد تعارض بین روایات منقول از معصومان (ع) اختصاص دارد. این روایات در خصوص حکم تعارض مستقر بین روایاتی است که با کمک قواعد حل تعارض، رفع ناسازگاری امکان پذیر نباشد. به همین دلیل راه حل‌های خاصی همچون «جمع عرفی»؛ «ترجیح» در صورت وجود

مرجح و «تخیر» در صورت تعادل روایات، پیش بینی می‌شود (حیدری، ۱۴۱۲، ص ۳۱۱).

در اصول فقه غالباً بجای تعارض ادله از تعبیر «تعادل و تراجیح» آن هم در حوزه روایات استفاده می‌شود؛ در حالی که در علم تفسیر بیشترین نیاز مربوط به قلمرو غیر آیات الاحکام مانند: نص و ظاهر قرآن؛ معنای لغوی واژگان، آرای مفسران، آرای تاریخی و تعارض بین منابع تفسیری و... رصد می‌شود. در تفسیر قرآن یکی از مهم‌ترین مباحث در استنباط معارف و احکام فقهی و غیر فقهی قرآن، جمع بین ادله و قراین تفسیری و آشنایی با شیوه‌های تقدیم برخی از ادله بر دیگر ادله و قراین تفسیری است. این مهم پس از آشنایی مفسر با قواعد علم منطق از قبیل مبحث تصور و تصدیق و آشنایی با انواع دلالات، همچنین آگاهی از مباحث الفاظ، مبحث حقیقت و مجاز، عام و خاص، مطلق و مقید، مجمل و مبین، مفهوم و منطوق و... در اصول فقه مقدور خواهد بود.

هرچند مقالات محدودی مانند «شیوه‌های تعارض زدایی» از محمدعلی راغبی و «تعارض ادله و قواعد رفع آن» از سید علی هاشمی و... به هدف ارائه مبحث تعارض ادله استنباط در مباحث اجتهاد فقهی با لحاظ رعایت ترتب علمی بین قراین و ادله؛ و مقاله «تعارض ادله و نقش آن در تفسیر با تاکید بر دیدگاه علامه طباطبایی» از حسن صادقی؛ همچنین مقاله «تعارض سیاق و اسباب النزول در مقایسه تفاسیر شیعه و سنی» از نفیسه نوید و... در این زمینه نگارش یافته است، لیکن ترسیم تفصیلی و جامع اقسام تعادل ادله با رویکرد «تفسیر آیات غیر فقهی» مانند آیات اعتقادی، اخلاقی، تاریخی و... همچنان پژوهشی کاملاً تخصصی، برخوردار از زوایای پنهان، نوآورانه و نیازمند تامل بیشتر است که مساله پژوهش حاضر را به خود اختصاص داده است.

در این مقاله بر آنیم ابتدا مفهوم اصطلاحی تعارض ادله و شروط و نقش آن در تفسیر قرآن؛ «طرح واژه جامع» مهم‌ترین و کاربردی‌ترین اقسام تعارض ادله تفسیری در آیات غیر فقهی را ترسیم نماید و پس آنگاه قواعد کاربردی و اشکال آن را از دیدگاه اصولیان و مفسران شیعه تشریح نماید تا به هدف غایی سازگاری و تعامل ادله و قراین تفسیری در تبیین مراد الهی نایل آییم.

یادآوری دو مطلب ضروری است که اولاً مباحث تعادل ادله در قلمرو «دو دلیل» مطرح است و نه تعارض احوال «یک لفظ» که در آن دوران تعارض در یک دلیل و کلام مطرح است، نه دو دلیل؛ لیکن در پژوهش حاضر این مبحث به عنوان «ملحق به باب تعارض» مطرح خواهد شد؛ ثانیاً در مقاله حاضر از طرح برخی از شقوق، اشکال و مباحث تفصیلی تر که بیشتر در حوزه آیات فقهی کاربرد دارد و نقش محوری در ایصال به هدف مقاله (تعارض ادله تفسیری در آیات غیرفقهی) ندارد، اجتناب خواهیم کرد.

۲. مفهوم شناسی

اینک قبل از ورود به مساله اصلی مقاله، تشریح اصطلاحات به شرح ذیل تقریر می‌شود:

۲.۱. تعارض ادله

تعارض در لغت به معنای معارضه کردن یکی با دیگری است (خوری، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۷۶۵) و در اصطلاح علم اصول عبارتست از: تنافی و ناسازگاری (ذاتی یا عَرَضی) مدلول دو یا چند دلیل به گونه تناقض یا تضاد. به بیان دیگر تعارض یعنی تکذیب دو دلیل معتبر با یکدیگر به گونه‌ای که صدق هر دو ممتنع باشد (امین انصاری، ۱۴۲۸، ق، ج ۴، ص ۱۱)

مانند اینکه یکی از دو دلیل بر مالکیت شخصی و دلیل دیگر بر عدم مالکیت وی دلالت کند. لازم به یادآوری است: الف) مراد از «دلیل» در تعریف فوق عبارتست از هر چیز معتبر برای اثبات حکم یا موضوع یا واقعه خارجی اعم از امارات و اصول عملی. بنابراین تعارض ادله ممکن است بین دو اماره؛ دو دلیل عملی (استصحاب، برائت و...) یا یک دلیل اماره و یک اصل عملی باشد. ب) تعارض ادله ممکن است بین دو دلیل یا بیشتر رخ دهد. ج) تعارض ادله ممکن است به دو شکل تناقض یا تضاد مشاهده می‌شود. «تعارض تناقضی» آن است که تنافی ذاتی دو دلیل به صورت سلب و ایجاب باشد، به گونه‌ای که جمع بین دو دلیل یا رفع هر دودلیل، امکان نداشته باشد؛ لیکن «تعارض تضادی» به معنای تنافی دودلیل است به گونه‌ای که دو دلیل وجودی با هم قابل جمع نباشد ولی قابل رفع باشد. به عنوان مثال؛ یک شی نمی‌تواند تماماً هم سفید و هم سیاه باشد ولی ممکن است نه سفید و نه سیاه باشد (شریعتی؛ ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۱۴۱).

۲.۲. تعارض مستقر و غیرمستقر

تعارض بر دو قسم است: «تعارض مستقر» که در آن واقعا مدلول دو یا چند دلیل با یکدیگر تنافی و ناسازگاری برطرف نشدنی دارند؛ و «تعارض غیر مستقر» یا ظاهری آن است که تنافی دو دلیل بدوی و ابتدایی باشد که با اندک تامل روشن می‌شود و در واقع بین دو دلیل تعارض و ناسازگاری وجود ندارد. در تعارض غیرمستقر یا ظاهری باید به جمع عرفی با شیوه‌های مختلف آن روی آورد.

لازم به یادآوری است که تقسیم تعارض به مستقر و غیرمستقر، با توجه به معنی عام تعارض صورت گرفته است، لیکن بسیاری از اصولیان تعارض را به گونه‌ای محدود و مضیق تعریف کرده اند که فقط شامل تعارض غیرمستقر می‌شود. یعنی مواردی که بین مدلول دودلیل، تنافی واقعی و غیرقابل جمع وجود داشته باشد. بنابراین آنان موارد جمع عرفی همچون: تخصیص، حکومت و... حقیقتاً از مفهوم تعارض خارج می‌دانند (خویی، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۴۵۵).

۳.۲. تراحم ادله

در لغت به معنای رفتار متقابل دو شخص یا دو چیز در برابر یکدیگر است و در اصطلاح اصول فقه، تراحم در جایی است که دو تکلیف مختلف برعهده شخص است، به طوری که در مرحله امتثال و اجرا نمی‌تواند به هر دو عمل کند. در چنین مواردی طبق ضوابط تعیین شده، باید در مقام امتثال، یکی را بردیگری مقدم نمود (شریعتی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۱۴۶).

تفاوت «تعارض ادله» با «تراحم ادله» در آن است که؛ تعارض، تنافی دو دلیل در مرحله انشاء، جعل و وضع است. به گونه‌ای که وضعیت دو دلیل طوری است که صحت جعل هر دو به تناقض یا تضاد در تشریح می‌انجامد، لیکن تراحم ادله مربوط به مرحله اجرا و امتثال به هر دو دلیل است، نه ناسازگاری در مرحله تشریح و قانون گذاری (همان، ۱۴۷). بحث ما در پژوهش حاضر، در قلمرو تعارض ادله است، نه تراحم ادله

۴.۲. تعادل ادله

در اصطلاح به معنای برابر و هم سنگ بودن دو دلیل متعارض در تمام جهات است، به طوری که هیچ یک بر دیگری ترجیح نداشته باشد (میرزای قمی، ۱۴۳۰، ج ۲، ص ۲۷۷).

۵.۲. جمع عرفی

یکی از قواعد معروف در باب تعارض ادله، قاعده «الجمع مهما امکن اولی من الطرح» است که معروف به قاعده «جمع عرفی» است. یعنی جمع بین دو یا چند دلیل تا جایی که امکان پذیر است، بهتر است از کنار گذاشتن یکی از آن‌ها. مرحوم مظفر در طرفداری از قاعده فوق به حکم عقل استناد می‌کند، مبنی بر اینکه دو دلیل به خودی خود واجد شرایط حجیت‌اند و تنها چیزی که مانع حجیت است، وجود تکاذب و تعارض واقعی است. بنابراین اگر بتوان با جمع بین دو دلیل، تعارض را از بین برد، مانعی از حجیت دو دلیل وجود نخواهد داشت و لذا با امکان جمع، نمی‌توان حکم به تساقط و کنار گذاشتن یکی از دو دلیل نمود (مظفر، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۲۰۱). چنانچه چه مرحوم شهید صدر به بنای عقلا استناد می‌کند، مبنی بر این که ظهور کلام برای مخاطب، حجیت دارد، حال اگر متکلم کلامی را بیان کند و پس از آن کلام دیگری را برای بیان مقصود خود و تفسیر کلام اول مطرح نماید، خردمندان در چنین مواردی هر دو کلام را باهم در نظر می‌گیرند (صدر، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۵۳۱).

د- در خصوص «جمع عرفی» یادکرد موارد زیر ضروری است:

الف) اگر یکی از دو کلام صادره از شارع، صلاحیت تفسیر کلام دیگری را داشته باشد، باید ظهور کلام اول را در پرتو ظهور کلام دوم تبیین نمود (صدر، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۵۳۲)

ب) قید «مهما امکن» در قاعده فوق بدین معناست که در صورتی که جمع عرفی امکان پذیر نباشد، نوبت به اعمال قاعده تعادل و تراجیح ادله می‌رسد (مغنیه، ۱۳۸۰م، ص ۴۳۵)

ج) مقصود از قید «اولی» در قاعده فوق، اولویت الزامی است نه مستحب بودن

د) قاعده «جمع عرفی» برای ایجاد سازگاری و علاج تعارض بین دلالت‌های دو یا چند دلیل است، نه حل و فصل در سند آن‌ها. بنابراین اگر علم اجمالی داشته باشیم که یکی از دو یا چند دلیل از سوی شارع صادر نشده است، جمع عرفی اجرا نمی‌شود (صدر، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۵۴۵).

ه) در خصوص شیوه‌های جمع عرفی میان صاحب نظران اتفاق نظر وجود ندارد. برخی «حکومت» و «ورود» را خارج از عناوین جمع عرفی دانسته‌اند و برخی دیگر اصطلاح جمع عرفی را شامل همه شیوه‌های حل تعارض غیرمستقر می‌دانند. آنان جامع‌ترین شیوه جمع عرفی را اصل تقدم دلیلی که ظهور قوی‌تر و صراحت بیشتری دارد، بر دلیل دیگر می‌دانند، زیرا ظهور، قوی‌ترین قرینه تصرف در ظهور دلیل دیگر است (کاظمی، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۷۲۷). معیار تشخیص ظهور قوی‌تر، نظر عرف است که باید به دقت بدست آید. برخی از اموری که در تشخیص عرف دخیل‌اند، عبارتند از: قراین لفظی و غیرلفظی؛ تناسب حکم و موضوع؛ ویژگی‌های متکلم و مخاطب و ... منابع اصولی شیعه و اهل سنت مهم‌ترین ضوابط و روش‌های جمع عرفی مقبول را عبارت از: تخصص، تخصیص، حکومت، ورود، تقید، و تقدم اظهر بر ظاهر دانسته‌اند (سبحانی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۲۱۴). چنانچه برخی به تعارض دلیل عام و دلیل مطلق؛ دلیل تخصیص و دلیل تقیید؛ دلیل ناسخ و دلیل تقیید؛ تعارض نص و ظاهر و ... نیز اشاره نموده‌اند (اصفهان‌ی، ۱۴۰۱، ص ۲۰۷-۲۰۸).

۶.۲. اجماع محصل و منقول

اجماع محصل اجماعی است که فقیه از طریق حس با تطبیق آرا فقها به دست می‌آورد (نه از طریق نقل). این قسم از

اجماع در صورت تحقق، نزد همه علما حجت است لیکن تحقق آن تقریباً غیرممکن است (ملکی اصفهانی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۳۰). در مقابل، اجماع منقول یعنی اجماعی که شخصی برای دیگری نقل کند، خواه نقل کننده یک نفر باشد یا بیشتر (همان، ج ۱، ص ۲۹). نقل گاهی به نحو تواتر است که حکمش از جهت حجیت، حکم اجماع محصل خواهد بود؛ و گاهی به نحو خبر واحد است که در حجیت آن میان اصولیان اختلاف است و اکثر متاخران آن را به طور مطلق حجت نمی‌دانند، چنانچه قول مشهور نیز عدم حجیت اجماع منقول و خبر واحد است. هرگاه در تعبیر اصولیان، «اجماع منقول» گفته شود، مقصود همین نوع اخیر است (اصفهانی، ۱۴۰۱، ص ۱۹۴-۱۹۶).

۲.۷. الفاظ و عبارات مجمل و مبین

الفاظ و عبارات به دو قسم واضح الدلالة (مبیین) با اقسام سه گانه: ظاهر، نص و محکم؛ و غیر واضح الدلالة (مجمل) با اقسام: خفی، مشکل، متشابه تقسیم می‌شود با این توضیح که الفاظ و عبارات مجمل و متشابه پس از رفع اجمال و تشابه، تاویل شده و الفاظ و عبارات «مؤول» نامیده شده و به مبیین و محکم بالعرض تبدیل می‌شود. همچنین «ظاهر» بنا بر دلایلی ممکن است بر مبنای مرجوحش حمل شود و «مؤول» نامیده شده و به نص تبدیل می‌شود. حجیت ظهور الفاظ و عبارات از اصول عقلایی محاوره‌ای است و حجیت آن ظنی است نه یقینی، هرچند ظهور به نوبه خود شدت و ضعف دارد (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۰، ص ۴۲). دلالت الفاظ نسبت به معانی بدین شرح است: «نص» دلالت ۱۰۰ درصد؛ «ظاهر» دلالت ۵۱ تا ۹۹ درصد؛ «مجمل» دلالت ۵۰ درصد؛ و «مؤول» که با کمک قرینه قطعی تبدیل به نص مبیین و محکم با دلالت ۱ تا ۴۹ درصد می‌شود (شاکر، ۱۳۸۹، ص ۲۸۱-۲۸۳؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۹۰، ش، ص ۲۸۰-۲۸۳).

۳. شرایط تحقق تعارض بین ادله

پس از مفهوم شناسی اصطلاحات مرتبط، اینک به بیان شرایط تحقق تعارض بین ادله می‌پردازیم:

۳.۱. تعدد ادله متعارض

تعارض از باب تفاعل و برای بیان مخالفت دو یا چند دلیل با یکدیگر است. از این رو شامل تعارض احوال یک لفظ به معنای دوران امر در یک لفظ یا یک کلام نمی‌شود. هرچند این قسم به نوبه خود نوعی تعارض و ناسازگاری است که مفسر قرآن باید به حکم چنین تعارضی آشنا باشد. به همین دلیل این باب «ملحق به باب تعارض ادله» محسوب می‌شود و بحث از آن ضرورت دارد.

۳.۲. شرط دیگر تحقق تعارض ادله آن است که شرایط حجیت مستقلاً در هر دو دلیل وجود داشته باشد. به عبارت دیگر، تعارض فقط بین دو یا چند دلیل معتبر (که بدون در نظر گرفتن تعارض، واجب العمل است) رخ می‌دهد و دلیلی که فاقد اعتبار است، نمی‌تواند متعارض با دلیل معتبر باشد. به عنوان نمونه؛ روایتی که شرایط حجیت را ندارد، نمی‌تواند با ظاهر قرآن، حتی تعارض بدوی داشته باشد (مظفر، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۱۹۴).

۳.۳. قطعی نبودن هر دو دلیل: شرط دیگر آن که دو دلیل متعارض در باب تعادل و تراجیح، نباید هر دو قطعی باشند، چون از نظر منطقی، قطعی بودن دو امر متنافی، محال است. همچنین اگر یکی از دو دلیل قطعی و دیگری ظنی باشد،

زیرا قطعیت یک دلیل به معنای کذب دلیل دوم است و بینشان حتی تعارض بدوی نیست (شریعتی، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۱۴۴)

۳. ۴. هر دو دلیل متزاحم نباشند: یعنی تنافی دو دلیل از جهت تشریح و قانون گذاری باشد، نه از ناحیه امتثال و اجرا که از آن به تزاحم ادله تعبیر می‌شود. (حیدری، ۱۴۱۲، ص ۲۲۹)

۳. ۵. تنافی و ناسازگاری دو دلیل متعارض لازم نیست ذاتی باشد، بلکه تعارض عَرَضی نیز کافی است. مراد از تنافی ذاتی آن است که مدلول دو دلیل به خودی خود ناسازگار باشد، مانند تنافی بین دو روایت وجوب و حرمت یک چیز؛ و منظور از تنافی عَرَضی آن است که مدلول عرفی دو دلیل تعارض ندارند و ناسازگاری ناشی از امر خارجی باشد (مظفر، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۱۸۷)

۴. اقسام تعارض ادله تفسیری در آیات غیرفقهی

بسیاری از اصولیان باب تعادل و تراجیح را صرفاً با رویکرد فقهی بیان نموده‌اند و توفیق زیادی در تطبیق مفاد آن با تفسیر قرآن نداشته‌اند، لیکن باب تعارض ادله هم در مورد روایات شان نزول، روایات تطبیقی و تفسیری (که مجموعاً ۴۰۰۰ روایت از معصومان را به خود اختصاص داده است) (معرفت، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۷۹) مطرح است و هم در سایر اقسام و گونه‌های تعارض منابع دلایل و قراین تفسیری.

هدف از تفسیر قرآن دستیابی به معنای مراد خداوند است. مراد الهی در قرآن نیز از طریق اقسام دلالات بدست می‌آید. از سویی ظهور الفاظ و عبارات نسبت به معانی، متفاوت است و همه الفاظ و عبارات یک متن، دارای درجه یکسانی از ظهور، گویایی و رسایی نیستند و نباید انتظار داشت که همه مقاصد الهی در قرآن از ظهورات ابتدایی الفاظ و عبارات بدست آید. عواملی همچون: دو وجوه بودن برخی الفاظ و عبارات، تعامل الفاظ با یکدیگر، قرار گرفتن الفاظ در موقعیت‌های مختلف، ظهور و خفای قراین خارج از متن و ... موجب می‌شود درجات ظهور و خفای مراد خداوند از الفاظ قرآن متفاوت باشد. به طوری که کشف بسیاری از معانی با عبور از ظهورات ابتدایی الفاظ و عبارات و آشکار ساختن پرده‌های نهانی معنا صورت می‌گیرد. در همین راستا مباحث تعارض قراین اعم از قراین درون و برون متنی قرآن با یکدیگر مطرح می‌شود (شاکر، ۱۳۸۹، ص ۱۸۲ و ۲۰۱). پژوهش حاضر در صدد تشریح مهم‌ترین اقسام و احکام تعارض ادله تفسیری در آیات غیرفقهی قرآن است. اینک یادکرد چند قاعده قبل از ورود به اقسام تعارض ادله تفسیری ضروری است: اول) ظاهر و نص تاویل پذیرند. با این توضیح که همیشه به همراه ظاهر الفاظ و عبارات، معنای دیگری (معنای غیرظاهر و مرجوح) محتمل است که مقصود اصلی شارع باشد. این معنا با توجه به سیاق کلام، سبب نزول و فضای نزول آیه تسهیل می‌شود و راه را برای تاویل لفظ و عبارت مؤول می‌گشاید. به عنوان نمونه: احتمال تخصیص در لفظ عام؛ تقیید در لفظ مقید؛ تعمیم در لفظ ظاهر در خاص؛ حمل لفظ بر معنای مجازی در لفظ ظاهر در معنای حقیقی، وجود دارد. همچنین «نص» که لفظ یا کلامی است که بدون دخالت امر خارجی دیگری و به کمک قرینه کلام به طور واضح بر معنایی دلالت دارد و ظهورش بر مراد متکلم از «ظاهر» واضح تر و روشن تر است، به نوبه خود با توجه به ظنی یا قطعی بودن قرینه سیاق، تاویل پذیر است. یعنی اگر دلالت سیاق بر مقصود خداوند، قطعی باشد، نص مذکور، تاویل پذیر نیست. و اگر ظنی باشد، قابل تاویل است (شاکر، ۱۳۸۹، ص ۱۸۴-۱۸۶)

دوم) حکم تعامل با الفاظ مجمل بدین شرح است که: الفاظ مجمل یا به وسیله آیه‌ای از قرآن، روایات و ... تبیین می‌شود، که در این صورت به الفاظ مفسّر تبدیل می‌گردد؛ یا الفاظ مشترکند که با قرینه معینّه تفسیر می‌شوند؛ و یا اجمالشان به دلیل دوران بین حقیقت و مجاز است که به وسیله قرینه صارفه به مبین بدل می‌شود. همچنین اگر اجمال لفظ با دلیل قطعی بیان شود، آن را مفسّر و در صورتی که با دلیل ظنی تبیین گردد، آن را مجمل مؤول گویند (شاکر، ۱۳۸۹، ص ۱۹۱).

سوم) چنانچه در گذشته یادآور شده ایم، تقسیم تعارض به دو قسم مستقر و غیر مستقر با عنایت به معنای عام تعارض است و حق آن است که مصادیق «جمع عرفی» مانند تخصیص، تقييد، حکومت، ورود، تقدیم اظهار به ظاهر، حقیقتا از مفهوم واقعی تعارض، خارج است (خویی، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۴۵۵).

چهارم) در بحث «تخصص» که همان خروج موضوعی یکی از دو دلیل از شمول حکم دلیل دیگر است، به دلیل تفاوت موضوع دو دلیل، حقیقتا شامل مفهوم تعارض ادله نمی‌شود، زیرا اصولا تعارضی وجود ندارد و دو حکم متعارض شامل دو موضوع متفاوت است، نه موضوع واحد (شریعتی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۱۶۸).

پنجم) برخی اصولیان مانند شهید صدر، «ورود» را از قلمرو تعارض ادله خارج می‌دانند زیرا مانند تخصص، یکی از دو دلیل خروج موضوعی دارد و در هر دو (تخصص و ورود) خروج موضوعی یک دلیل حقیقتا و وجدانا تحقق دارد. با این تفاوت که در «تخصص» خروج موضوعی ذاتا و تکوینا و بدون عنایت به تعبد شارع است، ولی در «ورود»، خروج موضوعی ذاتا و تکوینا نیست بلکه با عنایت به تعبد شرعی است (محقق داماد، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۱۲۸؛ صدر، ۱۴۲۱، ق، ج ۲، ص ۵۴۵).

ششم) حکم عقل در موارد تعارض مستقر و واقعی (که خارج از تعارض بدوی و مصادیق جمع عرفی است) تساقط دو دلیل است؛ اما به دلیل ورود اخبار علاجیه، صرفا در مورد روایات متعارض واصل از معصومان (ع)، حکم خاص ترجیح (در صورت وجود مرجحات) و تخییر (در صورت تعادل ادله و عدم وجود مرجح) مقرر شده است. بنابراین حکم اخبار علاجیه شامل سایر مصادیق و موارد تعارض ادله مانند تعارض بین سایر منابع تفسیری؛ اختلاف دو عالم رجالی در توثیق یا تعدیل یک راوی؛ اختلاف دو لغت شناس در مدلول الفاظ آیه یا روایت و ... نمی‌شود (حیدری، ۱۴۱۲، ق، ص ۳۱۱).

هفتم) در تعارض دلیل عقلی و نقلی: اگر یکی از دو دلیل قطعی باشد، همان مقدم است و اگر هر دو ظنی باشند، قاعده باب تعارض (جمع عرفی، ترجیح سندی، دلالی، جهتی) جاری می‌شود؛ همچنین تعارض دلیل عقلی قطعی با دلیل لفظی قطعی، ممکن نیست چون لازمه آن مخالفت کلام الهی یا قول معصوم (ع) با حکم قطعی عقلی خواهد بود؛ در تعارض دلیل قطعی عقلی با دلیل لفظی غیر صریح، دلیل عقلی مقدم خواهد بود (صدر، ۱۴۲۱، ق، ج ۱، ص ۱۴۸).

هشتم) در تعارض دلالی (در مقابل تعارض سندی) در جایی که جمع عرفی ممکن نباشد، به قواعد باب تعارض ادله رجوع می‌شود (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۱۲۸).

نهم) تعارض مدلول دو آیه همیشه بدوی و غیر مستقر است و ناشی از اختلاف در قرائات یا تاویل آیات و یا اسباب نزول است (عزیز برزنجی، ۱۴۱۷، ق، ص ۶۷). تعارض مدلول دو آیه یا از باب مطلق و مقید، عام و خاص و ... است که از طریق جمع عرفی حل و فصل می‌شود و اگر جمع عرفی امکان نداشت باید یکی از دو آیه را با توجه به شواهد عقلی و نقلی،

تاویل و توجیه نمود. از قبیل اتخاذ معنای غیر ظاهر یا مرجوح و یا تطبیق بر مصداقی خاص یا رد متشابهات به محکمت (ربیع نتاج، ۱۳۸۱، ص ۲۴۸-۲۵۳).

مهم‌ترین اقسام تعارض مستقر و غیر مستقر بین دو یا چند دلیل تفسیری، همچنین اساسی‌ترین اشکال تعارض در لفظ یا کلام واحد (که ملحق به باب تعارض ادله محسوب می‌شود) و احکام آن‌ها به شرح ذیل تقریر می‌شود:

۱.۴. مهم‌ترین اقسام تعارض بدوی غیر مستقر بین دو یا چند دلیل تفسیری که منجر به «جمع عرفی» می‌شود و احکام آن‌ها عبارتند از

۱.۱.۴. تعارض بین عام و خاص: از اقسام تعارض ادله لفظی و به معنای تنافی میان مدلول دو دلیل در همه اشکال آن است و باید حمل عام بر خاص نمود و خاص را مخصّص عام دانست (مشکینی، ۱۳۹۶، ۱۳۰) /

۱.۲.۴. تعارض مطلق و مقید: از اقسام تعارض ادله لفظی و به معنای تنافی میان مدلول دو دلیل است و باید حمل مطلق بر مقید نمود (سبحانی، ۱۳۷۶، ۲۲۹)

۱.۳.۴. تعارض وارد و مورود: از اقسام تعارض بدوی و غیر مستقر است و دلیل وارد مقدم می‌شود (مظفر، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۲۴۰)

۴.۱.۴. تعارض حاکم و محکوم: حکومت آن است که دلیلی بر دلیل دیگر ناظر باشد و مراد دلیل دیگر را شرح دهد و مدلول آن را توسعه و تضییق نماید. بنابراین حکومت نوعی تصرف یکی از دو دلیل بر موضوع یا محمول دلیل دیگر است، از جهت رفع یا وضع. تعارض حکومتی نوعی تعارض بدوی و غیر مستقر است و در آن دلیل حاکم مقدم است. این قاعده در آیات قرآن و روایات کاربرد زیادی دارد (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۱۹).

۵.۱.۴. تعارض دلیل عام و دلیل مطلق (بدلی یا شمولی): امر دایر است بین تقیید اطلاق و تخصیص عام که اصولیان در این زمینه اختلاف نظر دارند؛ عده ای به تقدیم تقیید اطلاق به دلیل ظهور قوی تر عام و برخی به تقدیم تخصیص عام معتقدند (عراقی، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۱۴۷).

۶.۱.۴. تعارض دلیل ظاهر و دلیل اظهر: از اقسام تعارض ادله لفظی و به معنای تنافی میان مدلول دو دلیل است و از نوع تعارض بدوی و غیر مستمر شمرده می‌شود که باید جمع دلالتی میان دو دلیل نمود (مشکینی، ۱۳۹۶، ص ۲۲۳)

۷.۱.۴. تعارض دو دلیل عام: از اقسام تعارض ادله لفظی با تنافی مدلول دو دلیل عام است و اصولیان شیعه در آن قواعد باب تعارض (اعم از جمع دلالتی، ترجیح یا تخییر) را جاری می‌کنند (علامه حلی، ۱۴۰۴، ص ۳۳۳).

۸.۱.۴. تعارض دو دلیل ظاهر: از اقسام تعارض ادله لفظی با تنافی مدلول دو دلیل نقلی است که در آن بر اساس قواعد باب تعارض عمل می‌شود (محمدی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۴۵۳).

۹.۱.۴. تعارض بین مدلول دو نص: از اقسام تعارض لفظی که به دلیل وضوح زیاد مدلول، تعارض آن بدوی و غیر مستقر است و باید به گونه‌ای دو دلیل با هم جمع گردیده یا تاویل شوند (حیدری، ۱۴۱۲، ص ۲۰۹).

۱۰.۱.۴. تعارض بین نص و ظاهر: از اقسام تعارض لفظی با تنافی بین مدلول دو دلیل است و مشهور اصولیان نص را بر ظاهر مقدم و ظاهر را توجیه می‌کنند (امین انصاری، ۱۴۲۸، ص ۷۸۸).

۱۱.۱.۴. تعارض بین مفهوم شرط یک دلیل با مفهوم غایت دلیل دیگر: مفهوم غایت مقدم می‌شود (عراقی، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۱۵۰).

- ۱۲.۱.۴. تعارض بین مفهوم شرط یک دلیل با مفهوم وصف دلیل دیگر: مفهوم شرط مقدم می‌شود (همان)
- ۱۳.۱.۴. تعارض بین مدلول دلیل مطابقی یک دلیل با مدلول التزامی دلیل دیگر: مدلول دلیل مطابقی مقدم می‌شود (عزیز برزنجی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۸۵).
- ۱۴.۱.۴. در تعارض منطوق یک دلیل با منطوق دلیل دیگر: به قاعده جمع عرفی و در صورت عدم امکان، به دیگر قواعد باب تعارض عمل می‌کنیم (همان).
- ۱۵.۱.۴. در تعارض مفهوم (موافق یا مخالف) با منطوق دلیل دیگر: به قواعد باب تعارض ادله (اعم از جمع عرفی، ترجیح یا تخییر) عمل می‌کنیم (صدر، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۵۶۴).
- ۱۵.۱.۴. تعارض سیاق با روایات (شان نزول، تطبیقی، تفسیری): سیاق کلمه بدون شرط عمل می‌کند، بنابراین در صورت تعارض با روایات معتبر در تفسیر باید جمع عرفی نمود؛ ولی در تعارض سیاق جمله و آیه با روایت ظنی الصدور، اگر دو شرط پیوستگی در نزول و ارتباط موضوعی محقق باشد، سیاق معتبر و قطعی، مقدم است؛ حال اگر خبر واحد را حجت در تفسیر بدانیم، به آن عمل می‌کنیم و در غیر این صورت باید به دنبال قراین دیگر، مانند سایر آیات، دلایل عقلی یا روایات دیگر باشیم؛ اما در تعارض سیاق جمله و آیات که واجد شرایط اعتبارند با روایات قطعی الصدور، باید جمع عرفی نمود یا به سایر قواعد باب تعارض مراجعه کرد. همچنین در تعارض سیاق جمله و آیات (که فاقد شرایط اعتبار باشد) با روایات قطعی، دومی مقدم است (نوید، پژوهش دینی، ۱۳۸۷، شماره ۱۶، ص ۱۲۷).
- ۱۷.۱.۴. تعارض مجمل مبین: ارجاع مجمل به مبین نموده و مجمل به دلیل مفسر (در صورتی که قرینه قطعی باشد) یا مجمل مؤول (در صورتی که قرینه ظنی باشد) بدل می‌شود (شاکر، ۱۳۸۹، ص ۱۹۱).
- ۱۸.۱.۴. تعارض بین دلیل قطعی با دلیل ظنی: از اقسام تعارض بین ادله و به معنای تنافی بین مدلول دلیل قطعی با مدلول دلیل ظنی است، مانند تعارض بین نص قرآن با خبر واحد ثقه و از اقسام تعارض بدوی و غیر مستقر است و دلیل قطعی مقدم است (مظفر، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۱۹۲).
- ۱۹.۱.۴. تعارض بین دو دلیل عقلی قطعی: تعارض بدوی و غیرمستقر است و باید تاویل شود.
- ۲۰.۱.۴. تعارض بین مدلول آیات قرآن: همیشه تعارض غیرمستقر و بدوی و ناشی از اختلاف در قرائات یا تاویلات آیات قرآن یا اختلاف شان نزول است که در نهایت قابل جمع عرفی است. به عنوان نمونه تعارض بین دو نص؛ نص با ظاهر؛ محکم و متشابه و ... که همگی مصداق تعارض غیرمستقر محسوب می‌شود (عزیز برزنجی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۶۷).
- ۲۱.۱.۴. تعارض روایت قطعی الصدور با نص قرآن: ممکن نیست و تعارض بدوی و غیرمستقر است.
- ۲۲.۱.۴. تعارض روایت قطعی الصدور با مبین قرآن: ممکن نیست و تعارض بدوی و غیرمستقر است.
- ۲۳.۱.۴. تعارض روایت قطعی الصدور با محکم قرآن: ممکن نیست و تعارض بدوی و غیرمستقر است.
- ۲۴.۱.۴. تعارض روایت قطعی الصدور با متشابه قرآن: آیه متشابه با ارجاع به محکم عَرَضی می‌شود و تعارض بدوی و غیرمستقر است.
- ۲۵.۱.۴. تعارض دلیل قطعی عقلی با نص قرآن: به دلیل قطعیت هر دو دلیل، تعارض واقعی ممکن نیست و بازگشت به تعارض بدوی و غیرمستقر می‌کند.
- ۲۶.۱.۴. تعارض دلیل قطعی عقلی با محکم قرآن: ممکن نیست و تعارض بدوی و غیرمستقر است.
- ۲۷.۱.۴. تعارض دلیل قطعی عقلی با متشابه قرآن: آیه متشابه با ارجاع به محکم عَرَضی می‌شود و تعارض بدوی و غیرمستقر است.

غیرمستقر است.

۴. ۱. ۲۸. تعارض دلیل قطعی عقلی با مبین قرآن: ممکن نیست و تعارض بدوی و غیرمستقر است.
 ۴. ۱. ۲۹. تعارض دلیل قطعی عقلی با سیاق قطعی قرآن: ممکن نیست و تعارض بدوی و غیرمستقر است.
 ۴. ۱. ۳۰. تعارض دو معنای لغوی در قرآن: تعارض غیر مستقر است و باید یکی از دو لغت را تاویل نمود.
 ۴. ۱. ۳۱. تعارض روایت قطعی الصدور با دلیل عقلی قطعی در قرآن: تعارض ممکن نیست، زیرا قول معصوم هیچگاه مخالف حکم قطعی عقلی نمی باشد (صدر، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۱۴۸).

۲. ۴. مهم‌ترین اقسام تعارض مستقر و واقعی بین دو یا چند دلیل و احکام آن‌ها

۴. ۱. ۲. ۱. تعارض قرآن با قرآن
 ۴. ۱. ۲. ۱. ۱. در تعارض سیاق آیه با معنای لغوی یک واژه قرآن: سیاق مقدم است چون معنای لغوی، وضع استعمالی را اثبات می‌کند و معنای استعمالی نمی‌تواند وضع اصلی لغت یا ظهور استعمال دیگر را نفی کند (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۴۳۱)
 ۴. ۱. ۲. ۱. ۲. در تعارض سیاق آیه با آیه محکم دیگر: دومی مقدم است و آیه متشابه به محکم ارجاع می‌شود. (همان)
 ۴. ۱. ۲. ۱. ۳. در تعارض سیاق آیه با آیه متشابه: آیه متشابه به محکم ارجاع می‌شود و محکم عرضی شده و آنگاه بر سیاق ظنی مقدم می‌شود (همان).
 ۴. ۱. ۲. ۲. ۱. تعارض دو یا چند روایت (شان نزول، تطبیقی، تفسیری)
 ۴. ۱. ۲. ۲. ۱. ۱. تعارض بین دو خبر قطعی الصدور مانند تعارض بین خبر متواتر با خبر واحد محفوف به قراین: از اقسام تعارض سنت با سنت و به معنای تنافی بین مدلول ظاهری دو خبر است و باید به قواعد باب تعارض ادله مراجعه شود. (حکیم، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۱۶۳)
 ۴. ۱. ۲. ۲. ۱. ۲. تعارض بین دو دلیل ظنی الصدور مانند تعارض بین دو خبر واحد: به معنای تنافی بین دو دلیل ظنی است و باید به قواعد باب تعارض مراجعه شود. از قبیل تقدیم ظهور قوی تر، جمع بین ادله، ترجیح مرجحات سندی، دلالتی و جهتی و در آخر تخییر
 ۴. ۱. ۲. ۲. ۱. ۳. تعارض بین دو روایت ظنی الصدور مانند تعارض بین خبر واحد ثقّه و خبر ضعیف با یکدیگر: اگر خبر واحد ثقّه را در تفسیر آیات غیرفقهی، معتبر ندانیم، هیچ یک از حجیت برخوردار نیست و اگر حجت بدانیم، به آن عمل می‌کنیم (رشاد، ۱۳۳۵، ص ۳۰۵).
 ۴. ۱. ۲. ۲. ۱. ۴. تعارض بین روایت قطعی الصدور با روایت ظنی الصدور: روایت قطعی الصدور مقدم است (حکیم، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۱۶۱)
 ۴. ۱. ۲. ۳. تعارض بین دو دلیل عقلی:
 ۴. ۱. ۳. ۱. ۲. ۱. تعارض بین دلیل عقلی قطعی با دلیل عقلی ظنی، که اولی مقدم است.
 ۴. ۱. ۳. ۲. ۲. ۱. تعارض بین دو دلیل عقلی ظنی، که هیچکدام حجیت ندارد (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۶۹).
 ۴. ۱. ۳. ۲. ۲. ۲. تعارض دو اجماع با یکدیگر:

- ۴.۲.۴.۱. تعارض بین دو اجماع محصل: از آنجا که امکان تحقق اجماع محصل تقریباً غیرممکن است، لذا تصور این فرض قاعدتاً ممکن نیست.
- ۴.۲.۴.۲. تعارض اجماع محصل با اجماع منقول: اجماع محصل مقدم است.
- ۴.۲.۴.۳. تعارض دو اجماع منقول با یکدیگر: از آنجا که حجیت اجماع منقول مورد اختلاف است و قول مشهور و اکثر اصولیان متاخر، عدم حجیت آن است، این فرض نیز ممکن نمی باشد (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۹، ص ۳۱۰).
- ۴.۲.۴.۵. تعارض قرآن و روایت
- ۴.۲.۴.۱.۵. تعارض روایت قطعی الصدور با ظاهر قرآن: اولی مقدم است.
- ۴.۲.۴.۲.۵. تعارض روایت قطعی الصدور با مجمل قرآن: اولی مقدم است و مجمل قرآن را تبیین می کند.
- ۴.۲.۴.۳.۵. تعارض روایت ظنی الصدور با نص قرآن: دومی مقدم است و تعارض غیرمستقر است چون نص قرآن قطعیت صدور دارد.
- ۴.۲.۴.۴.۵. تعارض روایت ظنی الصدور با ظاهر قرآن: جمع دلالتی می کنیم و اگر ممکن نبود، ظاهر قرآن بدلیل قطعی الصدور بودن، مقدم است (رشاد، ۱۳۳۵، ص ۳۰۰)
- ۴.۲.۴.۵.۵. تعارض روایت ظنی الصدور با مجمل قرآن: مجمل را به مبین قرآن ارجاع می دهیم و بر روایت ظنی مقدم می داریم
- ۴.۲.۴.۶.۵. تعارض روایت ظنی الصدور با مبین قرآن: دومی به دلیل قطعیت در صدور مقدم است.
- ۴.۲.۴.۷.۵. تعارض روایت ظنی الصدور با محکم قرآن: دومی به دلیل ظهور قوی تر و قطعیت در صدور مقدم است.
- ۴.۲.۴.۸.۵. تعارض روایت ظنی الصدور با متشابه قرآن: متشابه را به محکم بر می گردانیم تا محکم عرضی شود و بر روایت ظنی مقدم می داریم.
- ۴.۲.۴.۹.۵. تعارض روایت ظنی الصدور با سیاق (ظنی یا قطعی): دومی به دلیل قطعیت در صدور مقدم است (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۴۳۱-۴۳۳).
- ۴.۲.۴.۶.۲. تعارض قرآن با دلیل عقلی
- ۴.۲.۴.۱.۶. تعارض دلیل قطعی عقلی با ظاهر قرآن: اولی مقدم است و قرینه تبیین و تفسیر ظاهر قرآن می شود.
- ۴.۲.۴.۲.۶. تعارض دلیل قطعی عقلی با مجمل قرآن: اولی مقدم است و قرینه تبیین و تفسیر مجمل قرآن می شود.
- ۴.۲.۴.۳.۶. تعارض دلیل قطعی عقلی با سیاق ظنی: اولی مقدم است و قرینه تبیین سیاق می شود.
- ۴.۲.۴.۴.۶. تعارض دلیل ظنی عقلی با محکم قرآن: دومی به دلیل عدم اعتبار دلیل عقلی ظنی، مقدم است.
- ۴.۲.۴.۵.۶. تعارض دلیل ظنی عقلی با متشابه قرآن: دومی به دلیل قطعیت در صدور و عدم اعتبار دلیل ظنی عقلی مقدم است.
- ۴.۲.۴.۶.۶. تعارض دلیل ظنی عقلی با نص قرآن: دومی به دلیل قطعیت در صدور، مفاد روشن و عدم اعتبار دلیل ظنی عقلی مقدم است.
- ۴.۲.۴.۷.۶. تعارض دلیل ظنی عقلی با ظاهر قرآن: دومی به دلیل قطعیت در صدور و عدم اعتبار دلیل ظنی عقلی مقدم است.
- ۴.۲.۴.۸.۶. تعارض دلیل ظنی عقلی با مجمل قرآن: دومی به دلیل عدم اعتبار دلیل ظنی عقلی، مقدم است

۴.۲.۶.۹. تعارض دلیل ظنی عقلی با مبین قرآن: دومی به دلیل عدم اعتبار دلیل ظنی عقلی و مفاد معتبر آیه مبین، مقدم است.

۴.۲.۶.۱۰. تعارض دلیل ظنی عقلی با سیاق قرآن (ظنی یا قطعی): سیاق قطعی به دلیل اعتبارش مقدم است و سیاق ظنی به دلیل قطعیت در صدور و عدم اعتبار دلیل ظنی عقلی مقدم است.

۴.۲.۷. تعارض روایت با دلیل عقلی:

۴.۲.۷.۱. در تعارض روایت ظنی الصدور با دلیل عقلی قطعی: دومی مقدم است.

۴.۲.۷.۲. در تعارض روایت ظنی الصدور با دلیل ظنی عقلی: روایت ظنی عقلی مقدم است، زیرا دلیل ظنی عقلی حجیت ندارد ولی عقلا و شارع دلیل ظنی شرعی را می پذیرند.

۴.۲.۷.۳. تعارض روایت قطعی الصدور با دلیل ظنی عقلی: روایت قطعی الصدور بدلیل قطعیت در صدور و عدم اعتبار دلیل ظنی عقلی، مقدم است (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۶۹).

۴.۲.۸. تعارض نص یا ظاهر قرآن با اجماع منقول: اگر اجماع منقول را حجت بدانیم، نص یا ظاهر قرآن به دلیل قطعیت صدور بر اجماع منقول به دلیل ظنی الصدور بودن، مقدم است (رشاد، ۱۳۳۵، ص ۳۰۰).

۴.۲.۹. تعارض خبر واحد با اجماع منقول: در صورتی که بتوان برای یکی از دو دلیل، مرجح دیگری (قراین قطع آور) یافت، همان مقدم است و در غیر این صورت چون اجماع منقول حکم خبر واحد را دارد که ظنی است، لذا دو طرف مساوی اند و باید قایل به تخییر شد (فاضل تونی، ۱۴۱۵، ص ۳۳۵).

۳.۴. اساسی‌ترین اشکال تعارض در لفظ یا کلام واحد (ملحق به باب تعارض ادله):

برخی از مهم‌ترین شکل‌های تعارض در یک لفظ و کلام واحد و احکام آن به شرح ذیل است:

۴.۳.۱. تعارض بین اقوال مفسران در تفسیر یک واژه، آیه یا روایت شان نزول، تطبیقی یا تفسیری: دیدگاه‌ها و استنباط مفسران در خصوص تفسیر قرآن صرفاً زمینه ساز فهم بهتر و عمیق تر قرآن است و حجیت ذاتی ندارد و تقلید از آن‌ها مصداق عدم جواز کاربرد غیرعلم در تفسیر بوده و حرمت استناد مطالب غیرعلمی به خداوند را در پی دارند. از این رو باید بر اساس قراین عقلی و نقلی مورد ارزیابی قرار گیرند (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۰۴). در نتیجه اگر جمع عرفی ممکن نباشد و تعارض مستقر و واقعی باشد، باید سایر قواعد باب تعارض ادله (ترجیح یا تخییر) را جاری نمود. (شریعتی، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۱۴۲؛ عزیز برزنجی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۶۹)

۴.۳.۲. اختلاف و تعارض قرائات در خصوص یک واژه یا آیه قرآن: براساس برخی آمارها در مورد سه چهارم آیات قرآن، اختلاف قرائتی وجود ندارد و بخش عمده اختلاف قرائات نیز تغییر دهنده معنا نیست، بلکه مربوط به محسنات تجویدی است (رجبی، ۱۳۹۲، ص ۶۷) این قسم تعارضات در تفسیر نقشی ندارد. مانند «كُفُوًا و كُفُوًا و كُفُوًا». تقریر تعارض و اختلاف قرائات به شرح ذیل است:

قسم اول (آیاتی که چند قرائت در مورد آن‌ها وجود دارد، ولی یک قرائت مشهور و دیگر قرائات شاذ و نادر یا مخالف قواعد مسلم ادبیات عرب، برهان‌های عقلی، نصوص و ظواهر آیات یا روایات معتبر باشد. قرائت صحیح و واقعی در این موارد همان قرائت مشهور است و تفسیر باید بر اساس آن صورت گیرد.

قسم دوم) آیاتی که در خصوص آن‌ها چند قرائت مشهور وجود دارد ولی فقط یک قرائت با قواعد مسلم ادبی، برهان قطعی عقلی، نصوص و ظواهر قرآن و مستندات معتبر روایی سازگار است. در این موارد قرائت سازگار با امور فوق، قرائت واقعی و رایج است و تفسیر باید براساس آن صورت گیرد.

قسم سوم) آیاتی که در مورد آن‌ها چند قرائت مشهور وجود دارد و همگی با امور چهارگانه فوق سازگارند. این آیات، بسیار اندک هستند، به طوری که برخی مصداق آن را سی مورد دانسته‌اند. در این موارد تعارض قرائت تحقق دارد و تفسیر باید بر اساس قدر جامع بین قرائت صورت پذیرد و در مورد مفاد ویژه یکی از دو قرائت، یعنی مفادی که تنها بر اساس یکی از قرائت‌ها قابل استفاده است، تفسیر به شکل استناد احتمالی جایز است، مانند قرائت «مالک یوم الدین» و «مَلِک یوم الدین» (رجبی، ۱۳۹۲، ص ۵۰-۵۱).

۳.۳.۴. اختلاف نسخه‌ها در نقل یک روایت به صورت‌های مختلف در یک کتاب روایی، از باب اصطلاحی تعارض ادله خارج است، چون در چنین صورتی، علم اجمالی داریم که یکی از دو روایت از معصوم (ع) رسیده است (خویی، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۴۵۵).

۴.۳.۴. تعارض در حمل یک لفظ قرآن در معنای لغوی، حقیقت عرفی یا حقیقت شرعی، در حالی که همه احتمالات وجود داشته باشد. در این مورد اگر قرینه‌ای با توجه به آیات دیگر برای تعیین یکی از معانی باشد، همان معنا متعین است. مانند واژه «خلیفه» در آیه «أَنْتَ جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» که با توجه به آیات ۶۹ سوره اعراف، ۱۴ یونس و... معنای جانیشینی نوع انسان از خداوند مراد است، نه جانیشینی آدم (ع) از نوع موجودات زمینی قبل از خود؛ و اگر قرینه تعیین کننده‌ای برای یکی از معانی نباشد و مفسر نیز قائل به استعمال لفظ در بیش از یک معنا باشد، و معانی مشترک نیز تنافی نداشته باشند، همه معانی مد نظر است؛ و اگر دو شرط بالا محقق نباشد، لفظ مجمل می‌شود و مفسر باید توقف نماید و به ذکر احتمالات اکتفا نماید (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۳۵۰-۳۵۲).

۵.۳.۴. در تعارض در حمل یک لفظ بر معنای حقیقی یا مجازی، معنای حقیقی مقدم است. مانند تردید در معنای «اسد» در عبارت «رایت اسدا» بین دو معنای حیوان درنده و مرد شجاع که اولی مقدم است (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۲۰).

۶.۳.۴. تعارض بین مجاز و اضمار در کلام واحد؛ یعنی در کلام واحد هم بتوان معنای مجازی و هم اضمار (تقدیر گرفتن) لحاظ نمود. در این مورد، بیشتر اصولیان مجاز را ترجیح می‌دهند. مثلاً در عبارت «و اسئل القریه» احتمال دارد مراد از قریه مجازاً «اهل قریه» باشد و احتمال دارد کلمه «اهل» در تقدیر گرفته شود که اولی مقدم است (حلی، ۱۴۰۴، ص ۷۶؛ عزیز برزنجی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۱۰).

۷.۳.۴. تعارض بین مجاز و تخصیص در کلام واحد؛ یعنی در کلام واحد هم مجاز و هم تخصیص احتمال داده شود. دیدگاه مشهور اصولیان، تقدم تخصیص بر مجاز است (مجاهد، ۱۲۹۶، ص ۸۸).

۸.۳.۴. تعارض بین تخصیص (خروج موضوعی) و تخصص (خروج حکمی) در کلام واحد: دیدگاه مشهور اصولیان تقدم تخصص بر تخصیص است (خویی، ۱۳۸۰، ج ۵، ص ۲۳۶).

۹.۳.۴. تعارض میان مدلول مختلف یک آیه به گونه‌ای که سبب تنافی میان احکام مستفاد از آیه شود: اولاً بر اساس برخی آمارها در خصوص حدود سه چهارم آیات، اختلاف قرائتی وجود ندارد؛ ثانیاً بخش عمده اختلاف قرائت تغییردهنده معنای آیه نیست و نقشی در تفسیر ندارد مانند قرائت «كُفُّواْ، كُفُّواْ، كُفُّواْ»؛ ثالثاً آیاتی که در مورد آن‌ها چند

قرائت مشهور وجود دارد، ولی فقط یک قرائت با قواعد مسلم ادبی، برهان قطعی عقلی، نصوص و ظواهر قرآن و مستندات معتبر روایی سازگار است، قرائت سازگار با امور فوق، قرائت واقعی و رایج است و تفسیر باید بر اساس آن صورت گیرد؛ رابعا آیاتی که در مورد آن‌ها چند قرائت مشهور وجود دارد که همگی با امور چهارگانه فوق سازگارند، این آیات اولاً بسیار اندک هستند، به طوری که برخی مصداق آن را سی مورد دانسته‌اند، تعارض قرائت تحقق دارد و تفسیر باید براساس قدر جامع بین قرائت انجام شود و در مورد مفاد ویژه یکی از قرائت، یعنی مفادی که تنها براساس یکی از قرائت قابل استفاده است، تفسیر به شکل استناد احتمالی جایز است. مانند قرائت «مالک یوم الدیم و ملک یوم الدین». (رجبی، ۱۳۸۵، ص ۵۰؛ بابایی، ۱۳۹۴، ص ۶۶-۶۸)

۱۰.۳.۴. تعارض میان مجاز و تخصیص در کلام واحد: بنا بر نظر مشهور اصولیان تخصیص بر مجاز مقدم است (عزیز برزنجی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۰۴)

۵. نتیجه گیری

مبحث تعارض ادله از قواعد مشترک علم اصول فقه و تفسیر قرآن است، لیکن اصولیان غالباً از مبحث فوق با عنوان باب «تعادل و تراجیح» در مباحث فقهی، آن هم صرفاً در قلمرو روایات، تحت عنوان «اخبار علاجیه» بحث نموده‌اند. در حالی که در تفسیر قرآن بیشترین نیاز به حوزه «غیرآیات الاحکام» و در قلمرو تعارض منابع و قراین تفسیری با یکدیگر؛ تعارض نص و ظاهر آیات و روایات؛ تعارض در آرای مفسران؛ تعارض در آرای تاریخی و ... مشاهده می‌شود.

در پژوهش حاضر مهم‌ترین و کاربردی‌ترین اقسام تعارض مستقر و غیرمستقر دو یا چند دلیل تفسیری و تعارض در لفظ یا کلام واحد، به عنوان «ملحق به باب تعارض ادله»، توأم با احکام آن‌ها، به شرح ذیل مورد بررسی قرار گرفته است:

۱. اقسام تعارض غیرمستقر و بدوی بین دو یا چند قرینه و دلیل تفسیری که منجر به «جمع عرفی» می‌شود و «به نوبه خود» اقسام سی گانه را در این پژوهش به خود اختصاص داده است.

۲. اقسام تعارض مستقر و واقعی بین دو یا چند قرینه یا دلیل تفسیری که مشتمل بر اقسام ۳۷ گانه می‌باشد.

۳. آشکال تعارض در لفظ یا کلام واحد، به عنوان «ملحق به باب تعارض ادله» که به نوبه خود در پژوهش حاضر گونه‌های ۷ گانه را به خود اختصاص داده است.

۶. فهرست منابع

۱. اصفهانی، سید عبدالله و حسن رنجبر، بررسی نقش علم اصول فقه در تفسیر قرآن، قم، انتشارات دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، ۱۴۰۱

۲. امین انصاری، مرتضی، فراید الاصول، قم، بی نا، ۱۴۲۸ ق

۳. بابایی، علی اکبر و همکاران، روش شناسی تفسیر قرآن، تهران، سازمان سمت، ۱۳۹۴

۴. تسخیری، محمدعلی، القواعد الفقهیه والاصولیه، تهران، مجمع جهانی تقرب مذاهب اسلامی، ۱۳۹۲

۵. حکیم، محمدسعید، المحکم فی اصول الفقه، بیروت، المنار، ۱۳۷۶

۶. حلی، حسن بن یوسف، مبادی الوصول الی علم الاصول، قم، مطبع العلمیه، ۱۴۰۴ ق

۷. حیدری، سید علی نقی، اصول الاستنباط، قم، شورای مدیریت حوزه علمیه، ۱۴۱۲ ق

۸. خوری شرتونی، *اقرب الموارد*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۳ ق
۹. خویی، سید ابوالقاسم، *مصباح الاصول*، قم، نشر الفقاهه، ۱۳۸۰ ش
۱۰. ربیع نتاج، علی اکبر، *نقدی بر ادعای تعارض در نصوص*، بابلسر، انتشارات دانشگاه مازندران، ۱۳۸۱
۱۱. رجبی، محمود، *روش شناسی تفسیر قرآن*، قم، سمت، ۱۳۸۵
۱۲. رشاد، محمد، *اصول فقه*، تهران، نشر اقبال، ۱۳۳۵
۱۳. رضایی اصفهانی، محمدعلی، *منطق تفسیر*، قم، ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۹۰ ش
۱۴. سبحانی، جعفر، *الموجز فی اصول الفقه*، قم، مدیریت حوزه علمیه، ۱۳۷۶ ش
۱۵. شاکر، محمدکاظم، *مبانی و روش های تفسیری*، قم، ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۸۹ ش
۱۶. شریعتی، سعید و حسین قافی، *اصول فقه کاربردی*، تهران، سازمان سمت، ۱۳۹۲، ج ۳
۱۷. صدر، سید محمدباقر، *دروس فی علم الاصول*، قم، مرکز ابحاث و الدراسات التخصصیه للشهید صدر، ۱۴۲۱ ق
۱۸. عراقی، ضیاءالدین، *نهایه الافکار*، قم، جامعه المدرسین موسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۳
۱۹. عزیز برزنجی، عبداللطیف، *التعارض و التراجیح بین الادله الشرعیه*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ ق
۲۰. فاضل تونی، عبدالله، *الوافیه فی اصول الفقه*، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۵
۲۱. فاضل لنکرانی، محمد، *ایضاح الکفایه*، قم، نوح، ۱۳۸۵
۲۲. کاظمی خراسانی، محمدعلی، *فوائد الاصول*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۶
۲۳. مجاهد، محمدبن علی، *مفاتیح الاصول*، قم، موسسه آل البیت لاحیاء التراث، ۱۲۹۶ ق
۲۴. محقق داماد، سید مصطفی، *مباحثی از اصول فقه*، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۷
۲۵. محمدی، علی، *شرح اصول فقه*، قم، دارالفکر، ۱۳۸۷
۲۶. معرفت، محمدهادی، *التفسیر و المفسرون*، قم، موسسه فرهنگی تمهید، ۱۳۸۵.
۲۷. مشکینی، علی، *تحلیل المعالم فی اصول الفقه*، قم، نشر مهر، ۱۳۹۶ ق
۲۸. مغنیه، محمدجواد علم اصول فقه فی ثوبه الجدید، قم، انتشارات مکتبه الزهراء، ۱۹۸۰ م
۲۹. مظفر، محمدرضا، *اصول الفقه*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰
۳۰. ملکی اصفهانی، مجتبی، *فرهنگ اصطلاحات اصول*، قم، عالمه، ۱۳۷۹
۳۱. موسوی بجنوردی، محمد، *علم اصول*، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹
۳۲. میرزای قمی، ابوالقاسم، *قوانین المحکمه فی الاصول*، قم، احیاءالکتب الاسلامیه، ۱۴۳۰
۳۳. نوید، نفیسه، *تعارض سیاق و اسباب النزول*، پژوهش دینی، شماره ۱۶، ۱۳۸۷
۳۴. واعظ حسینی، محمد سرور، *مصباح الاصول*، تقریرات درس آیت الله خویی، ۱۴۰۸
۳۵. هاشمی، سید علی، *تعارض ادله و قواعد رفع آن*، فقه و تاریخ تمدن، شماره ۲۵، ۱۳۸۹